

به نام خدا

آبی‌تر از گناه

نویسنده: محمد حسینی

ققنوس، چاپ هشتم، ۱۳۹۷

«گناه و گناه‌کار همیشه هستند، مقصر کیست؟»

فهرست مطالب

۲	۱ نویسنده
۳	۲ درباره کتاب
۴	۱۰۲ بخش‌هایی منتخب از کتاب
۴	۳ مشکلات نوشتاری کتاب
۵	۴ امتیاز رمان
۵	مراجع

۱ نویسنده



محمد حسینی متولد دوم اسفند ۱۳۵۰ تهران است. در کارنامه ادبی محمد حسینی، ویراستاری، روزنامه نگاری و برگزاری جلسات متعدد ادبی دیده می‌شود. شب‌های تجربه از مهم‌ترین این جلسات در دهه هشتاد بود که ویژه علی اشرف درویشیان و محمد محمد علی و بهمن فرزانه برگزار شد و پس از آن اجازه ادامه نیافت. رمان «آبی تر از گناه» محمد حسینی جایزه ادبی گلشیری و جایزه مهرگان ادب (پکا) برای بهترین رمان سال ۱۳۸۳ را از آن خود کرد.

محمد حسینی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۶ ویراستار و کارشناس کتاب نشر ققنوس بود و از سال ۱۳۸۷ مدیریت تحریریه و دبیری بخش داستان نشر ثالث را بر عهده دارد. توجه به زبان و به کارگیری شیوه‌های نو داستان‌نویسی و انعکاس تحلیلی رویدادهای جاری جامعه از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار اوست.

محمد حسینی تدریس ویراستاری را با درس مبانی ویرایش داستان از سال هفتاد و هشت در هنرستان ادبیات داستانی آغاز کرده و در مراکز مختلف ادامه داده است.

به نظر می‌رسد وی دارای مدرک کارشناسی مدیریت صنعتی می‌باشد. اطلاعات

دیگری راجع به خانواده، تحصیلات و مسیر زندگی وی را پیدا نکردم! در مرجع [۱] گفتگویی با این نویسنده در سال ۱۳۹۰ انجام شده است. علاوه بر این، گفتگویی دیگر مربوط به سال ۱۳۹۴ در مرجع [۲] وجود دارد.

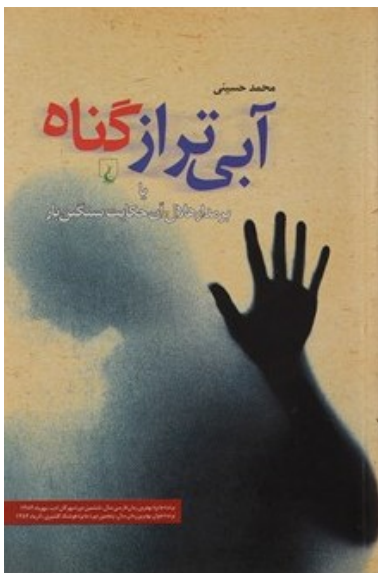
نخستین کتاب محمد حسینی، مجموعه شعری است مشترک با محمدحسن ارداقیان به نام و صبحی که تا همیشه سلام که در ۱۳۷۸ منتشر شده است. کتاب بعدی وی، ده داستان‌نویس، در نقد ۱۰ نویسنده‌ی معاصر است که بنا بود کتاب درسی «هنرستان ادبیات داستانی» باشد. این کتاب که چند سالی نیز در آن‌جا برای ادبیات معاصر تدریس شد، پس از تعطیلی «هنرستان ادبیات داستانی» توسط نشر خصوصی به چاپ رسید. کتاب‌های دیگر محمد حسینی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: آثار نویسنده (رمان و مجموعه داستان کوتاه)

ردیف	نام اثر	سال انتشار	ناشر	جایزه
۱	ده داستان‌نویس	-	دلوار	
۲	ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن	۱۳۸۲	ققنوس	رتبه دوم پژوهش از دومین جشنواره قصه‌های قرآن
۳	آبی‌تر از گناه	۱۳۸۴	ققنوس	جایزه هوشنگ گلشیری و جایزه مهرگان ادب (پکا) بهترین رمان سال ۱۳۸۴
۴	یکی از همین روزها ماریا	۱۳۸۳	ققنوس	
۵	به دنبال فردوسی	-	ققنوس	اثر برگزیده جشنواره رشد
۶	به دنبال امیرکبیر	-	ققنوس	
۷	نمی‌توانم به تو فکر نکنم سیما	۱۳۸۸	ثالث	
۸	قصه‌های شاهنامه	-	کتاب پارسه	بهترین کتاب کودک و نوجوان به انتخاب خوانندگان، اولین دوره جایزه هفتان ۱۳۹۵
۹	ویرایش و اهمیت آن در آثار کودک و نوجوان	-	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان	
۱۰	کنار نیا مینا	۱۳۹۴	ثالث	
۱۱	آن‌ها که ما نیستیم	۱۳۹۴	ثالث	کتاب سال استان قزوین ۱۳۹۶
۱۲	مبانی ویرایش و مقدمه زبان داستان	۱۳۹۵	ثالث	

اینکه سال چاپ برخی کتاب‌ها را نمی‌توان با یک جستجوی ساده پیدا کرد واقعا جای بسی سوال دارد!

۲ درباره کتاب



رمان آبی‌تر از گناه در ۱۲۵ صفحه و ۱۰ فصل توسط نشر ققنوس در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است. دو جایزه معتبر و بسیار خوب هوشنگ گلشیری و مهرگان ادب را در همان سال از آن خود کرده است. بنده، چاپ هشتم این کتاب در سال ۱۳۹۷ را با شمارگان ۶۶۰ عدد و قیمت ۹۵۰۰ تومان در چهارمین خیریه اسفندگان کتاب خریداری نموده‌ام. باید عرض کنم که در کمتر از دو ساعت کتاب مذکور را مطالعه کرده‌ام. به همین دلیل پیشنهاد می‌کنم حتما شما هم آن را ورق بزنید.

اولین جمله کتاب «من کسی را نکشتم‌ام. هم‌هاش از همان عکس شروع شد.»، که البته آخرین جمله کتاب هم هست، خبر از این می‌دهد که قتلی رخ داده است، یا لاقط کسی کشته شده است و خواننده می‌تواند انتظار یک رمان جنایی را داشته باشد. در این رمان راوی داستان را به صورت اول شخص بیان می‌کند. با توجه به جمله اول کتاب، مشخص است که مضمون اصلی خود راوی داستان است. جالب اینجاست که تا آخر کتاب نام راوی فاش نمی‌شود و رمان علاوه بر راوی، شش شخصیت دیگر نیز شامل شازده، عصمت (زن شازده)، پدر و مادر راوی، مهتاب و دکتر مسایف در داستان وجود دارند.

داستان بگونه‌ای است که انگار راوی در محکمه‌ای نشسته و بازجویی می‌شود. با این کار، وقتی رمان جلو می‌رود، خواننده بدون اینکه سوالات بازجو را ببیند و با خواندن حرف‌های راوی متوجه آن‌ها می‌شود. البته می‌توان این فرض را نیز در نظر گرفت که ممکن است راوی با خودش حرف می‌زند و در واقع، خواننده ماحصل پاسخ‌های راوی به بازجو و گفت‌وگوهای داخل ذهن وی را می‌خواند. به هر حال، در این بخش نویسنده به خوبی توانسته از هنر خود برای جذاب کردن داستان استفاده کند. کششی که در رمان‌های ایرانی کمتر دیده می‌شود. البته باز هم شاید یکی دو فصل اضافی در رمان وجود داشته باشد که به دلیل حجم کم آن‌ها می‌توان از آن گذشت.

رابطه‌ها در رمان هم نسبتا خوب شکل پیدا کرده‌اند. راوی که به نظر می‌رسد یک ویراستار (شغل اصلی نویسنده!) ساده است و از شهرستان به تهران آمده است، برای کار به سراغ خانه شازده می‌رود. البته شخصیت شازده چندان موجه و قابل درک نیست. اگرچه نویسنده سعی کرده شخصیت وی را مرموز (مانند تمام شخصیت‌های دیگر داستان) نشان دهد، اما خلق و خوی شازده با آنچه که در پیشینه وی آمده است در تعارض است. عصمت که زن شازده است و راوی به قتل او متهم است، به نظر زنی عجیب و فریب‌کار است. مهتاب نیز بسیار ناشناخته است. زنی که به یکباره در خانه راوی ظاهر می‌شود و عجیب بودن ماجرای قتل را بیشتر می‌کند. اگرچه تا فصول آخر به نظر نمی‌رسد مهتاب نقش چندان در داستان داشته باشد اما در بسیاری از فصول ردپای او دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد مهتاب عاشق راوی و راوی هم عاشق عصمت است. اگرچه برخی افراد رمان را عاشقانه پنداشته‌اند اما فکر نمی‌کنم ردپای عشق (به معنای دل‌دادگی و محبت قلبی) در این رمان آنقدر زیاد باشد. اولاً تمام داستان از زبان راوی است، پس نمی‌توان به درست بودن آن مطمئن بود. ثانياً که در همین داستانی که راوی ساخته و پرداخته هم آنچنان شور و هیجان عشق دیده نمی‌شود.

نویسنده به خوبی توانسته است حس تعلیق را در داستان خود به خواننده القا کند. تعلیقی که با حرف‌های راوی مدام بالا و پایین می‌شود.

ردپای تاریخ و سیاست نیز در رمان دیده می‌شود. اگرچه علت قتل کاملاً مساله‌ای سیاسی به نظر می‌رسد اما نمی‌توان رمان را سیاسی دانست. در همین بخش هم نویسنده نتوانسته است علت قتل را به خوبی به خواننده بقبولاند. اینکه پسری عقیم که از خانواده خود فرار کرده است به یکباره به وصیتی عمل کند که چند نسل در خانواده آن‌ها بوده است بسیار عجیب و غیرواقعی به نظر می‌رسد.

مانند برخی افرادی که در مورد رمان نظر داده‌اند، پایان داستان را دوست نداشتیم. از یک طرف اعتراف ناگهانی راوی و از طرف دیگر سرانجام نامعلوم پدر و مادر راوی و مهتاب که بنده به شخصه نفهمیدم اگر مرده‌اند چرا؟ و اگر زنده‌اند نقششان دقیقاً در این ماجرا چه بوده است.

در انتها باید عرض کنم که یک مساله در طول کتاب بنده را اذیت می‌کرد. اگرچه کتاب بسیار روان نوشته شده است اما اینکه در برخی مواقع مدام کلمه «گفتم» یا «گفت» تکرار می‌گردید واقعا آزاردهنده بود. با این حال، برخی این حرکت را از ویژگی‌های کتاب دانسته‌اند اما این نظر شخصی بنده بود. نکته انتهایی که به نظر شخص بنده در اینگونه رمان‌ها جالب است و نیاز به تفکر دارد مربوط به مقصر اصلی داستان است. اگرچه قاتل و علت قتل هم مشخص گردد اما باز هم عاملی که باعث ایجاد این حرکت می‌شود بسیار مهم‌تر از خود عمل است. اینکه چرا قاتل این کار را کرده است شاید به نظر مشخص باشد اما اینکه چه عواملی باعث ایجاد این حرکت فرد شده‌اند همیشه جای سوال دارد.

باز هم تاکید می‌کنم که حتماً کتاب را مطالعه کنید. مطمئن باشید به عنوان یک رمان ایرانی ارزش وقت گذاشتن را دارد.

۱.۲ بخش‌هایی منتخب از کتاب

«شما که می‌دانید برخلاف آن همه حرف‌ها که از مظلومیت زن و این‌ها گفته می‌شود، همیشه حق را به زن‌ها می‌دهند، وای به روزی که بفهمند مجرد هم بوده‌ای، هر چه دلیل و مدرک هم بیاوری کسی باور نمی‌کند، همه فکر می‌کنند که تو مزاحم شده‌ای و حرف‌هایت همه‌اش دروغ است.» صفحه ۲۹

«دوست داشتن، آن هم دوست داشتن کسی که سی چهل سال از آدم بزرگ‌تر است که جرم نیست. حماقت است، خیالات است، بیماری است، اما جرم نیست.» صفحه ۳۴

«می‌خندیدم. انگار نمی‌دانست زنده ماندن چقدر خرج دارد. منظورش از حلال، نان بخور و نمیر بود، نمی‌دانست که آن هم کیمیاست. نمی‌دانست صبح تا شب مثل سگ جان می‌کنیم و باز به جایی نمی‌رسیم.» صفحه ۸۴

«می‌گفتم: «نقش کدام است؟ جریان است. تاریخ است. زمان است که می‌گذرد و آدم‌ها را، فکرها را عوض می‌کند.»» صفحه ۸۵

«انعطاف نداشت. نمی‌توانست بپذیرد که حتی آدم‌های بد هم ممکن است گاهی خوب باشند یا در هزار چیز بد باشند و باز یکی دو اخلاق خوب هم داشته باشند. خودش، مثل بیشتر آدم‌ها یک پا دیکتاتور بود و باز دشمن دیکتاتورها بود.» صفحه ۸۵

«شما که بهتر می‌دانید هرکسی برای نجات خودش از یک دردرس کوچک حاضر است دیگران را دچار بدترین دردها کند. یعنی هیچ‌کس اصلاً فکر نمی‌کند که کارش چه به روز دیگری می‌آورد. وجدان هم شده است حرف، حتی اگر حرفش هم زده نمی‌شود. انگار جنگ است، جنگ زنده ماندن. همه به خودشان فکر می‌کنند. همه می‌ترسند حتی با یکی دو روز گرفتاری از زندگی که نه، از زنده ماندن عقب بمانند.» صفحه ۱۰۵

۳ مشکلات نوشتاری کتاب

با توجه به اینکه خود نویسنده ویراستار حرفه‌ای است، حرف زدن در مورد مشکلات نوشتاری و ویراستاری کتاب بسیار سخت خواهد بود. با این حال چند نکته کوچک را ذکر می‌کنم.

- در کل متن دو کلمه بود که بنده معنی آن‌ها نمی‌دانستم و در اینجا می‌آورم. در صفحه ۳۰ و در جمله «ارقه و سلیطه نبود.» کلمه «آرقه» به معنی «حیله‌گر» است. همچنین، در صفحه ۵۸ و در جمله «من عقیم اما عنین نیستم.» کلمه «عنین» به معنای «کسی که نتواند با زنان نزدیکی کند» است.

- در صفحات ۴۸، ۷۵ و ۱۰۸ بهتر بود که به جای «خوب» از «خب» استفاده می‌گردید.

۴ امتیاز رمان

در این بخش، به رمان از لحاظ محتوا و ویراستار امتیاز بین ۱ تا ۱۰ داده می‌شود و میانگین آن‌ها به عنوان امتیاز نهایی رمان در نظر گرفته می‌شود.

جدول امتیازات رمان

ردیف	موضوع	نمره
۱	محتوا	۷
۲	مترجم	-
۳	ویراستار	۸
	امتیاز نهایی	۷٫۵

بهروز آدینه

۲۲ اسفند ۱۳۹۷

مراجع

[1] www.arthamadan.ir/PrintListItem.aspx?id=35272

[2] www.madomeh.com/site/news/news/4599.htm